

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه صد و ششم، ۲۲ اسفند ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت با مسئولیت محدود /تحلیل حقوقی فقهی

۴- شرکت با مسئولیت محدود

یکی دیگر از انواع شرکت های تجاری، شرکت با مسئولیت محدود می باشد. این شرکت تجاری از آن جهت که هریک از شرکاء نسبت به دیون و تعهدات شرکت مسئولیت دارد، از مصادیق شرکت اشخاص بشمار آید اما از این جهت که مسئولیت هریک از شرکاء محدود به میزان سرمایه ی اوست، می تواند از مصادیق شرکت سرمایه نیز محسوب شود . [1] مباحث مربوط به این شرکت نیز در دو فصل ارائه می شود:

فصل اول - تحلیل حقوقی

برای آشنایی اجمالی با این نوع شرکت به بیان برخی از مختصات قانونی آن می پردازیم:

- فعالیت این شرکت منحصر به موضوعات تجاری [2] می باشد، برخلاف شرکت های سهامی که تجاری بودن آن ها به لحاظ ساختار ظاهری آن است [3].
- این شرکت مانند هر نوع شرکت فقهی، با دو نفر و بیشتر قابل تشکیل و استدامه [4] می باشد [5].
- سرمایه ی این شرکت به سهام تبدیل نمی شود [6].
- هریک از شرکاء در این شرکت، فقط تا میزان سرمایه ی خویش و مبلغ آن [7]، مسئول بدهی و تعهدات شرکت می باشد [9]. [8]
- نام این شرکت باید مقید به عنوان با مسئولیت محدود شود و الا در مقابل شخص ثالث در حکم شرکت تضامنی [10] و تابع مقررات آن شرکت خواهد بود و اشخاص ثالث می توانند برای وصول طلب خود به هر یک از شرکاء مراجعه کنند [11].
- اسم شرکت نباید متضمن نام هیچ یک از شرکاء باشد والا شریکی که نام او در اسم شرکت قید شده است، در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت های تضامنی را خواهد داشت [12].

- تشکیل شدن این شرکت منوط به تأدیه ی تمام سرمایه ی نقدی و تقویم و تسلیم سرمایه ی غیر نقدی است [13].
- از آنجا که تقویم سرمایه ی غیر نقدی شرکت برعهده ی شرکاء می باشد، قیمت تعیین شده باید در شرکت نامه ذکر شود [14] و شرکاء در مقابل شخص ثالث نسبت آن قیمت، مسئولیت تضامنی خواهند داشت (تا به جهت بالا بردن میزان سرمایه ی شرکت، از تقویم صوری خودداری نمایند) [15].
- سهم الشركة این شرکت نمی تواند به صورت اوراق تجاری قابل انتقال (اعم از با نام و بی نام) عرضه شود [16]، و لذا انتقال آن به غیر نیز فقط باید از طریق تنظیم سند رسمی و ثبتی صورت گیرد [17].
- انتقال سهم الشركة در این شرکت متوقف بر رضایت اکثر شرکاء است که باید حداقل مالک سه چهارم کل سرمایه نیز باشند [18].
- تصمیم گیری در این شرکت در نوبت اول بر اساس رأی اکثریتی که حداقل مالک نصف سرمایه هستند و در نوبت دوم بر اساس رأی اکثریت اتخاذ می شود اگرچه که این رویه بر اساس تصریح در اساسنامه، قابل تغییر می باشد [19].
- هر یک از شرکاء به تناسب سرمایه ی خود، حق رأی خواهد داشت مگر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد [20].
- منافع و ضررهای این شرکت به تناسب سرمایه، تقسیم می گردد اگرچه که می توان در اساسنامه روند دیگری اتخاذ نمود [21].
- پنج درصد از سود خالص این شرکت نیز همانند سایر شرکت های تجاری [22]، باید به عنوان ذخیره ی احتیاطی اندوخته شود. [23] در صورتی که میزان ذخیره ی احتیاطی به میزان ده درصد کل سرمایه ی شرکت برسد، اندوخته کردن آن اختیاری می گردد [24].
- در صورتی که تعداد شرکاء این چنین شرکتی از دوازده نفر تجاوز کند باید برای شرکت هیأت نظارت معین نمایند [25].
- انحلال این شرکت نیز به صورت اختیاری (رأی کسانی که مالک بیش از نصف سرمایه شرکت باشند) و قهری (مانند انقضاء مدت تعیین شده یا پایان مأموریت [26] پیش بینی شده است [27].

فصل دوم - تحلیل فقهی [28]

با توجه به اینکه از منظر فقه، شرکاء به تناسب سرمایه ی خود ضامن دیون شرکت و مسئول تعهدات مالی آن هستند، محدود کردن آن ضمانت و مسئولیت به مقدار سرمایه و رفع مسئولیت بیش از آن (مانند شرکت های سهامی)، خلاف مقتضای شراکت است و نیاز به اشتراط ضمن عقد خواهد داشت [29]، همچنان که سلب مسئولیت از شرکاء تا قبل از انحلال شرکت (خواه شخصیت حقوقی مستقل در فقه پذیرفته شود [30] و خواه نشود) نیز باید بر اساس شرط ضمن عقد صورت گیرد.

باید توجه داشت که این شرط ضمن عقد اگر به صورت شرط نتیجه باشد، با محذور إبراء قبل از وجود دین و حق روبرو خواهد بود که در غیر موارد طبابت مورد پذیرش اکثر فقهاء نمی باشد و اگر به صورت شرط فعل باشد، صرفاً مستلزم يك حکم تکلیفی بوده و طلبکار کماکان حق رجوع به شرکاء را خواهد داشت هرچند که اقدام او حرام است در حالی که این رویکرد بر خلاف قانون می باشد. اللهم إلا أن يقال که در مثل این موارد، مقصود متعاقدين خصوص متعهد شدن مشروط علیه به إبراء و إسقاط نبوده است بلکه تحقق و استمرار آن قصد شده است (کما ادعی محقق الهمدانی [31] و السید الیزدی ([32] و لذا تا زمانی که إبراء صورت نگیرد و مستمر نباشد، شرط حاصل نخواهد شد هرچند که متعلق شرط فعل بوده و بنابر نظر مشهور مستتبع خصوص حکم تکلیفی می باشد.

سایر محدودیت های قانونی (مانند ویژگی انتقال سهم الشركة) و الزامات در تصرف (مانند کیفیت تصمیم گیری) نیز بر اساس شرط ضمن عقد (عقد الشركة) تخریج فقهی می گردد.

فائدة [33]

اگرچه شرکت با مسئولیت محدود از جهت محدود بودن مسئولیت به مقدار سرمایه، نظیر شرکت های سهامی است اما اساساً با شرکت های سهامی نیز متمایز است که برخی از تفاوت های آن دو عبارتند از:

- شرکت با مسئولیت محدود با دو نفر قابل تأسیس است برخلاف شرکت های سهامی که با حداقل سه نفر قابل تشکیل می باشد.

- سرمایه ی شرکت با مسئولیت محدود مقید به مبلغ خاصی نیست برخلاف شرکت های سهامی که سرمایه ی اولیه آن نباید کمتر از پنج میلیون ریال (در شرکت های سهامی عام) و یا يك میلیون ریال (در شرکت های سهامی خاص) باشد.
- تمام سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود باید توسط مؤسسين تأمین شود برخلاف شرکت های سهامی که مؤسسين صرفاً ملزم به تأمین ۲۰٪ از کل سرمایه هستند.
- کل سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود باید هنگام تأسیس تأدیه (سرمایه نقدی) یا تقویم و تسلیم (سرمایه غیر نقدی) شود برخلاف شرکت های سهامی که با تأدیه ۳۵٪ از بخشی که لازم است توسط مؤسسين تأمین شود (۲۰٪ از سرمایه کل) قابل تشکیل می باشد.
- سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود به سهام تبدیل نمی شود برخلاف شرکت های سهامی که سرمایه در آن به صورت سهام در می آید.
- سهم الشركة در شرکت با مسئولیت محدود اوراق تجاری نیست و انتقال آن باید به صورت سند رسمی ثبت شود برخلاف سهام شرکت های سهامی که اوراق بهادار است و ملکیت آن نیاز به سند رسمی ندارد.
- انتقال سهم الشركة در شرکت با مسئولیت محدود نیاز به توافق سایر شرکاء (اکثر شرکاء که حداقل مالک سه چهارم کل سرمایه باشند) دارد برخلاف انتقال سهام در شرکت های سهامی که صرفاً منوط بر تصمیم مالک سهام است.

[\[1\]](#) شرکت با مسئولیت محدود از آن جهت که مسئولیت شرکاء محدود به اندازه سرمایه آنها در شرکت است (ماده ۹۴) به شرکت های سرمایه و از آن جهت که شخصیت اعضاء مهم بوده و نقل و انتقال سهم الشركة منوط به رضایت اکثریت شرکاست (ماده ۱۰۲)، به شرکت های اشخاص شبیه است. وجه تسمیه شرکت محدودیت مسئولیت شرکاء به اندازه آورده آنهاست، والا مسئولیت خود شرکت با مسئولیت محدود در مقابل بستانکاران، به مانند اشخاص حقیقی، نامحدود است. قانون تجارت در نظم کنونی (محشی) صفحه ۳۰۰.

[\[2\]](#) ماده ۲ قانون تجارت: معاملات تجاری از قرار ذیل است: ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد. ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد. ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام

بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره. ۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای رفع حوایج شخصی نباشد. ۵- تصدی به عملیات حراجی. ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی؛ ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی. ۸- معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیرتاجر باشد. ۹- عملیات بیمه ی بحری و غیربحری. ۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها.

[3] قانون تجارت در نظم کنونی (محشی) صفحه ۳۰۱.

[4] وجود حداقل تعداد مذکور در ماده ۹۴ هم شرط تشکیل و هم لازمه ی بقای شرکت است.

[5] ماده ۹۴ قانون تجارت: شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون این که سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

[6] همان.

[7] محدود بودن مسئولیت شرکاء به اندازه سرمایه آنها در شرکت، گاه مورد سوء استفاده افراد سودجو قرار می گیرد، به این صورت که این گونه افراد با تشکیل یک شرکت با مسئولیت محدود خود را از عواقب ورشکستگی و عدم توانایی پرداخت بدهی های شرکت رها می سازند. قانون تجارت در نظم کنونی (محشی) صفحه ۳۰۱.

[8] همان.

[9] باید توجه داشت که لازمه ی شخصیت حقوقی مستقل شرکت آن است، مادامی که شرکت با مسئولیت محدود موجود است، مسئول پرداخت بدهی های خود می باشد و مسئولیت محدود شرکاء مربوط به بعد از انحلال شرکت خواهد بود. همچنین این مسأله نیز در متن قانون و کلام حقوقدانان مبهم است که اگر آورده ی نقدی شرکاء (مثلاً یک میلیارد تومان) بعد از خرید زمین شرکت، ارزش آن کاهش یابد (مثلاً آن زمین هفتصد میلیون تومان بشود) آیا شرکاء در برابر بدهی های شرکت، ضامن مقدار کاهش یافته از آورده ی نقدی هستند یا خیر؟.

[10] از این مواد قانونی بدست می آید که قانون گذار اصل در شرکت های تجاری در برابر شخص ثالث را، شرکت تضامنی می داند.

[\[11\]](#) ماده ۹۵ قانون تجارت: در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود والا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ‌یک از شرکا باشد والا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

[\[12\]](#) همان.

[\[13\]](#) ماده ۹۶ قانون تجارت: شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

[\[14\]](#) ماده ۹۷ قانون تجارت: در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

[\[15\]](#) ماده ۹۸ قانون تجارت: شرکا نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

[\[16\]](#) ماده ۱۰۲ قانون تجارت: سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره در آید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

[\[17\]](#) ماده ۱۰۳ قانون تجارت: انتقال سهم‌الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

[\[18\]](#) ماده ۱۰۲ قانون تجارت.

[\[19\]](#) ماده ۱۰۶ قانون تجارت: تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند. در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌شود. اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی بر خلاف مراتب فوق مقرر دارد.

[\[20\]](#) ماده ۱۰۷ قانون تجارت: هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر این که اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

[\[21\]](#) ماده ۱۰۸ قانون تجارت: روابط بین شرکا تابع اساسنامه است، اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد.

[22] فلسفه وجودی ذخیره قانونی و احتیاطی، عام و مواد قانونی آن ناظر بر تمام شرکت های تجاری می باشد.

[23] ماده ۱۱۳ قانون تجارت: مفاد ماده ۵۷ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های با مسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

[24] ماده ۵۷ قانون تجارت: همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد - همینکه سرمایه احتیاطی بعشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است.

[25] ماده ۱۰۹ قانون تجارت: هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکای آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد. هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است. هیأت نظار می تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید. مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت های با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

[26] ماده ۹۳ قانون تجارت: شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می شود: ۱- وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد. ۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد. ۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی.

[27] ماده ۱۱۴ قانون تجارت: شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود: الف - در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب - در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ج - در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. د - در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

[28] این مطالب در جلسه ۱۰۷ فقه مورخ ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۰ القاء شده است.

[29] أقول: از ظاهر ماده ۱۴۴ قانون اساسی بدست می آید که محدود بودن مسئولیت شرکاء در این شرکت بدان معناست که آنان بیشتر از سرمایه ی اولیه خویش که باید به صورت نقد تأدیه نمایند، مسئولیتی در إزاء دیون شرکت نخواهند داشت. بدیهی است که بر اساس الزام

قانون گذار به نقد بودن سرمایه ی شرکت با مسئولیت محدود، رجوع طلبکاران شرکت به شرکاء حتی بعد از انحلال شرکت نیز منتفی خواهد بود.

[\[30\]](#) ممکن است حتی با قبول شخصیت حقوقی مستقل در فقه، دیون او در زمان حیاتش را متوجه مالکین بدانیم همچنان که منافع او اختصاص به مالکین دارد (من له الغرم فعلیه الغنم).

[\[31\]](#) و کیف کان، فلو شرط الوكالة سواء شرط العقد أو كونه وكيلا، فالظاهر: أنه لا ينعزل بالعزل؛ إذ الظاهر من حال المتعاقدين: أن ليس مقصودهم مجرد إيجاد وصف الوكالة في الخارج حتى لا ينافيه عزله بعد الإيجاد، بل غرضهم تحقق الوصف في الخارج مستمرا إلى زمان البيع، فالعزل ينافي المقصود الذي بنوا عليه الأمر. و بمثل ما ذكر لعله نلتزم بعدم جواز الأخذ بخيار المجلس أو الحيوان مثلا فيما لو شرط في ضمن عقد لازم بيع حيوان مثلا، فيجب عليه البيع، ولا يجوز له الفسخ في المجلس؛ لكونه منافيا لما هو مقصودهم. و ليس معنى عدم الجواز مجرد الحكم التكليفي، بل المقصود عدم نفوذه، و عدم إمضاء الشارع فسخه. و وجهه: أن إمضاء الفسخ ينافي إمضاء الشرط الذي مقتضاه عدم وقوع الفسخ على ما هو الظاهر من مراد الشارع، و المفروض أن الشرط ممضى شرعا، فيلغو الفسخ بعده. هذا، و يمكن أن يفرق بين ما نحن فيه و بين البيع، بأن يقال: إن شرط عدم الفسخ في البيع أمر مشروع، فلا مانع من اشتراطه، و هذا بخلاف شرط عدم العزل في الوكالة، حيث إنه مخالف للمشروع؛ لما ثبت بالإجماع و غيره من أن الوكالة عقد جائز، و شرط عدم نسخه يؤول إلى شرط اللزوم، و هو مخالف للمشروع. و يمكن أن يجاب: بأن القدر المتيقن من جواز عقد الوكالة أنما هو فيما إذا كان ابتدائيا، و أما إذا كان في ضمن عقد لازم فلا، فمقتضى عموم وجوب الوفاء بالشرط بل العقد: لزومه، مع أننا قد ذكرنا أن المستفاد من الشرط في مثل المقام إنما هو شرط كونه متصفا بوصف الوكالة، سواء شرط حصول الوكالة بمجرد عقد الرهن، أو شرط إيجادها بعقد مستأنف، فليس المقصود مجرد حصول الفعل حتى يتحقق الوفاء بالشرط و لو تعقبه العزل، فلا تفاوت بين شرط الفعل و النتيجة فيما هو المقصود من الشرط في المقام، فالمقصود من الشرط إيجاد وصف الوكالة للمرتهن دائما إلى أن يتحقق البيع و هو أمر مقدور سائغ في ذاته، فيجب بمقتضى الشرط، لا أن الشرط تعلق بإيجاد فعل الوكالة لازما حتى يقال: مخالفا للمشروع، بل المشروط تحصيل أثر هذا العقد الجائز دائما، و لا محذور فيه، و هذا - أعني عدم انعزال الوكيل بالعزل - في شرط النتيجة أوضح منه في شرط الفعل، كما لا يخفى. مصباح الفقيه جلد ١٤ صفحه ٦٢٦.

[32] لكن التحقيق عدم جواز العزل في القسم الأول أيضا و هو ما إذا كان المشروط عنوان الوكالة و ذلك لأنها جائزة إذا كانت عقدية من حيث إنّ عقد الوكالة من العقود الجائزة و أمّا إذا كانت ثابتة بالشرط فمقتضى عموم المؤمنون وجوب ترتيب أثرها إلى آخر الأمر و ذلك لأنّ الظاهر أنّ مراد المتشارطين الوكالة المستمرة ال الحادثة في الجملة فلو عزله قبل تمامية الأمر يكون مخالفا للشرط و غير عامل بمقتضاه نعم لو فرض كون المقصود مجرد حصول هذه الصّفة من غير نظر إلى استمرارها أمكن دعوى جواز العزل لأنّه لا ينافي مقتضى الشرط إذ بمجرد حصول الوكالة آنا ما حصل المقصود منه لكن هذا الفرض نادر التّحقق و إن شئت فقل إنّ اشتراط الوكالة في بيع داره مثال يرجع إلى اشتراط البيع بعنوان الوكالة فما دام لم يتحقق البيع لا يتحقق الوفاء بالشرط. حاشية المكاسب جلد ٢ صفحه ١٢١.

[33] اين مطالب در جلسه ١٠٨ مورخ ٢٤ اسفند ماه ١٤٠٠ القاء شده است.